

تجارت خارجی تبریز در دوره آق‌قویونلوها

ولی دین‌پرست*

چکیده

تبریز از دوره ایلخانان یکی از کانون‌های مهم تجارت ایران شد. هرچند با سقوط ایلخانان، در تجارت خارجی این شهر وقفه افتاد، بار دیگر تبریز از دوره آق‌قویونلوها به مرکزیت مهم تجارت بین شرق و غرب درآمد. تجار از شرق و غرب کالاهای تجاری مانند ادویه هندی، اقمشه یزدی، سمرقندی، فرنگی، انواع پوست سمور، سنجاب، قاقم، اجناس چینی نظیر پارچه‌های کماخ زردوزی‌شده، اطلس، مشک، موم، نیل، و ابریشم گیلان و مازندران را به این شهر می‌آوردند.

تجار تبریز کالاهای تولیدشده ایرانی را به عثمانی، دشت قپچاق، و سایر سرزمین‌ها صادر می‌کردند. این شهر به بازار بزرگ مبادله کالاهای هندی، چینی، و اروپایی تبدیل شده بود. سیاست‌های حمایتی سلاطین آق‌قویونلو زمینه رونق بیش‌تر تجارت خارجی تبریز را فراهم کرده بود. در نتیجه رونق تجارت، آق‌قویونلوها از طریق اخذ عوارض گمرکی از کالاهای وارداتی و صادراتی به تبریز درآمد درخور توجهی به دست آوردند و تجار و پیشه‌وران تبریز نیز در مبادلات تجاری با کسب درآمد به رفاه اقتصادی دست یافتند.

بررسی جایگاه تبریز در تجارت خارجی و عواید حاصل از آن موضوع این مقاله است که با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای و اسناد تاریخی به شیوه تحلیلی - توصیفی به تبیین موضوع پرداخته شده است. حاکمان آق‌قویونلو به عواید فراوان حاصل از تجارت پی برده بودند و زمینه‌های رونق تجارت خارجی را فراهم کردند و در نتیجه، تبریز در تجارت جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد.

کلیدواژه‌ها: آق‌قویونلوها، تبریز، تجار، تجارت خارجی، کالاهای تجاری.

۱. مقدمه

تبریز از دوره ایلخانان به علت مرکزیت سیاسی اهمیت تجاری نیز پیدا کرد. هرچند با سقوط ایلخانان در سال ۷۳۶ ق (۱۳۳۵ م) در رونق اقتصاد بازرگانی این شهر وقفه‌ای کوتاه افتاد، با شکل‌گیری حکومت تیموریان (۷۷۱ ق / ۱۳۷۰ م) و سیاست‌های حمایتی تیمور برای برقراری امنیت در مسیرهای تجاری، بار دیگر تبریز اهمیت تجاری گذشته خود را بازیافت. این روند در دوره حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو رشد بیش‌تری کرد. در دوران اوزون حسن آق‌قویونلو، قانون‌نامه‌هایی برای برقراری نظم در فعالیت‌های اقتصادی تدوین شد. بخشی از این قانون‌نامه‌ها در زمینه حمایت از تجارت بود. نتیجه آن گسترش تجارت با غرب، عثمانی، دشت قیچاق، تیموریان، و دولت‌های مسلمان هند بود.

براساس گزارش‌های تاجران و سیاحان اروپایی در این دوران، انواع کالاهای تولیدی سرزمین‌های شرقی و غربی مانند ابریشم خام، پارچه‌های ابریشمی، زربافت‌ها، پارچه کمخا، قطیفه، صوف، قطیفه فرنگی منقش، لعل، مروارید، عنبر، مشک، یاقوت و انواع جواهرات، انواع ادویه هندی، پوست سمور، قاقم، سنجاب ازسوی همه تجار فرنگی، از جمله تجار مسلمان، عرب، هندی، در تبریز مبادله می‌شد. تبریز در تجارت بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کرد. بخشی عمده‌ای از درآمد حکومت آق‌قویونلو از طریق دریافت عوارض گمرکی و یا باج تمغا از تجار و کالاهای واردشده و صادرشده به تبریز به دست می‌آمد. تاجران، از شرق و غرب و در راه‌های پررفت‌وآمد، کالاهایی به تبریز حمل می‌کردند. رونق تجارت خارجی در وضعیت اقتصادی بازاریان و پیشه‌وران و تاجران تبریز نیز تأثیر گذاشته بود.

در مورد تجارت تبریز دوره آق‌قویونلوها، در کتاب *تاریخ ایران دوره تیموریان* پژوهش دانشگاه کمبریج، و درباره تجارت داخلی شهرهای یزد، کاشان، تبریز، و راه‌های تجاری مطالبی نوشته شده و به تجارت خارجی تبریز اشاره‌ای گذرا شده است. زهرا امیری، در مقاله «روابط ونیز و ایران در عهد اوزون حسن آق‌قویونلو»، بیش‌تر به روابط سیاسی ونیز با آق‌قویونلوها پرداخته و درباره تحلیل روابط تجاری نیز از *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* بهره گرفته و مطالب این کتاب را تکرار کرده و یافته‌های جدیدی را ارائه نکرده است. احمد برجلو و مهدی سنگ‌سفیدی، در مقاله «تجارت در دوره آق‌قویونلوها»، کلیاتی از تجارت دوره آق‌قویونلوها در شهرهای خرپوت، ماردین، اورفا، ارزنجان، تبریز، کاشان، یزد، و مناطق دیگر نوشته و در خصوص تجارت تبریز به نقل از *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* مانند دیگران مطالبی نوشته است. هدی سیدحسین‌زاده، در مقاله «روابط ایران و هند در دوره

سلطنت حسن بیگ و یعقوب آق‌قویونلو، بیش‌تر روابط سیاسی و فرهنگی بین ایران و هند را در قرن نهم هجری قمری تحلیل کرده و دربارهٔ تجارت هرمز و خلیج فارس در این دوره اشاره‌ای مختصر داشته است. هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده به تجارت خارجی تبریز در دوره آق‌قویونلوها به‌صورت جامع نپرداخته است. بنابراین، بررسی جایگاه تبریز در تجارت خارجی دوره آق‌قویونلوها و فرایندی که در واردات و صادرات کالا صورت می‌گرفت، مسئله اصلی این پژوهش است. با استفاده از اسناد و گزارش‌های سیاحان فرنگی و منابع تاریخی تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که تبریز در تجارت خارجی دوره آق‌قویونلوها از چه جایگاهی برخوردار بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تبریز در این دوره از تجارت خارجی پررونقی برخوردار بوده است.

۲. تبریز در قرن هشتم و نهم هجری قمری

در اواخر دوره خلافت عباسی، تبریز، پایتخت اتابکان ایلدگری، در میان شهرهای آذربایجان به‌لحاظ اهمیت سیاسی و اقتصادی مقام اول را کسب کرده بود (بارتولد ۱۳۷۷: ۲۷۹). هرچند با هجوم مغول در سال ۶۵۱ ق (۱۲۵۱ م) مدتی مراغه جای‌گزین تبریز شد، چندی نگذشت که تبریز موقعیت سابق خود را به‌دست آورد (لسترینج ۱۳۸۶: ۱۷۰ - ۱۷۱) و در سال ۶۶۴ ق (۱۲۶۴ م) به پایتختی ایلخانان برگزیده شد. ایلخانان مغول بناهایی در این شهر ساختند. غازان‌خان مجتمع‌غازانیه را بنا کرد و در دوران حکومت او، تبریز از نظر وسعت بسیار گسترده شد. پیش‌از آن، محیط حصار شهر تنها شش‌هزار گام بود و غازان‌خان فرمان داد تا شهر و روستاهای حومه آن را با باروهای نوین، که محیط آن با ۲۵ هزار پا برابر بود، محصور کنند (حمدالله مستوفی ۱۳۶۲: ۷۶). پس از سقوط ایلخانان، باوجود بلایا و فجایعی که برسر تبریز آمد، این شهر در قرن نهم هجری قمری جایگاه خود را حفظ کرد (بارتولد ۱۳۷۷: ۲۸۲). گزارش‌های کلایخو نشان می‌دهد که شهر با سرعت و شتاب حیرت‌انگیزی بازسازی شد و مرکز فعالیت‌های بازرگانی گذشته خود را بازیافت. کلایخو در اوایل قرن نهم هجری قمری دربارهٔ شهر تبریز و در توصیف وضعیت تجاری آن‌جا نوشته است:

تبریز شهری است که در دشتی میان دو کوه قرار دارد. نه‌هایی در آن جاری است. جمعیت تبریز حدود دویست هزار خانوار یا بیش‌تر است. [...]. در سراسر شهر، خیابان‌های پهن و میدان وسیع هست که در پیرامون آن ساختمان‌های بزرگ دیده

می‌شود و در آن‌ها به میدان باز می‌شود، کاروان‌سراها نیز چنین است [...]، چون از این کاروان‌سراها خارج شویم، به خیابان‌ها و بازارهایی می‌رسیم که در آن‌ها همه‌گونه کالا فروخته می‌شود؛ در بازار پارچه‌ها ابریشم، پنبه، تافته، ابریشم خام، جواهرات، و همه‌گونه ظروف می‌توان یافت. در واقع، گروه کثیری بازرگان و مقادیر بسیاری کالا در این شهر وجود دارد (گنسالس دِ کلاویخو ۱۳۷۴: ۱۶۱ - ۱۶۲).

هم‌چنین بازرگان گم‌نام ونیزی، که در زمان اوزون حسن به تبریز آمده بود، درباره تبریز و مردم شهر نوشته است:

تبریز در دشتی پهناور در جهت مشرق قرار دارد. هوای تبریز چنان سازگار است که مردم را برمی‌انگیزد که با طیب خاطر در آن‌جا رحل اقامت افکنند. [...] در تبریز، عده فراوانی از ایرانیان و ترکمانان به‌سر می‌برند و هم‌چنین کولی‌هایی که از هواداران فرقه صفوی به‌شمار می‌روند، عده بالنسبه فراوانی از ارمنی‌های مسیحی در تبریز اقامت دارند. یهودیان در تبریز نیز هستند، اما مقیمان دائمی آن سامان به‌شمار نمی‌روند، همه بیگانگانی هستند که از بغداد و کاشان و یزد به تبریز آمده‌اند (سفرنامه‌های ونیزیان ۱۳۸۱: ۴۱۱ - ۴۱۲).

۳. اوضاع تجاری تبریز پیش از آق‌قویونلوها

از قرن هفتم تا دهم هجری قمری (سیزدهم تا شانزدهم میلادی)، تبریز به یکی از شهرهای مهم ایران از نظر سیاسی و اقتصادی تبدیل شد. در دوره ایلخانان این شهر در مسیر مبادلات تجاری آسیا و اروپا قرار گرفت. پس از فتح بغداد به‌دست هولاکو خان مغول، بغداد به تدریج رونق تجاری خود را از دست داد و جای خود را به تبریز و سپس سلطانیه داد. چندی نگذشت که تبریز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد (جوادی ۱۳۷۸: ۱۰۹). به گفته اودوریک (Odorico) تبریز مرکز تجارت دنیا شد و در بازارهای آن پارچه‌های ابریشمین و زربفت و انواع سنگ‌های قیمتی و بیش‌تر کالاهای دنیای آن روز به‌فروش می‌رسید (همان). پگولوتی^۱، تاجر فلورانسی، در فصل‌های کتاب خود، به‌نام دستوری عملی برای بازرگانان (*La Pratica Della Mercatures*)، که در حدود سال ۷۴۱ ق (۱۳۴۰ م) نوشته است، درباره منازل، بنادر، نوع کالاهای صادراتی و وارداتی، مقدار مالیات و عوارض، نوع تجارت هر محل، ارزش پول، اوزان و مقادیر هر سرزمین شرح داده است (Pegolotti 1936). به‌نقل از جوادی ۱۳۷۸: ۱۱۱).

سقوط ایلخانان موجب گسترش هرج و مرج در ایران شد و افزون‌بر آن، شیوع وبا و طاعون در بیش‌تر شهرهای آذربایجان باعث رکود فعالیت‌های اقتصادی تبریز شد. طی چهارده سال حکومت ملک اشرف چوپانی (۷۴۴ - ۷۵۷ ق) که با ظلم و ستم و چپاول همراه بود، تبریز بیش از سایر مناطق آسیب دید و رونق خود را از دست داد. در پی آن، عده‌ای جلای وطن کردند و روستاها خالی از سکنه شد و اقتصاد از رونق افتاد (اقبال آشتیانی ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۵۳ - ۶۵۴). از سویی، حمله توقتمش‌خان، فرمان‌روای اردوی زرین، به آذربایجان در سال ۷۸۶ ق (۱۳۸۵ م)، باعث ویرانی و کشتار مردم این نواحی شد که ضربه‌ای بزرگ بر حیات اجتماعی و اقتصادی تبریز به‌شمار می‌رفت. به‌نوشته مؤلف *روضات‌الجنان*، در این واقعه قریب ده هزار تن از مردم آذربایجان کشته و صد هزار تن به اسارت گرفته شدند (کربلانی تبریزی ۱۳۴۴: ج ۱، ۴۶۷). هرچند نوشته‌های کربلانی تبریزی با اغراق همراه است، وسعت فاجعه و زیان‌های وارد بر حیات اقتصادی و اجتماعی آذربایجان را نشان می‌دهد. به‌دنبال حمله لشکریان اردوی زرین، حملات تیمور در سال ۷۸۷ ق (۱۳۸۶ م) و پس‌از آن جنگ‌های قراقویونلوها با سپاهیان تیموری در آذربایجان در سال‌های ۸۰۹ تا ۸۱۰ ق (۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ م) ضررهای جبران‌ناپذیری بر اقتصاد این منطقه وارد کرد. محمد بن هندوشاه نجفوانی، معروف به شمس منشی، در *دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب*، ضمن گزارش از ناامنی راه‌های تجاری از اجحاف و بی‌عدالتی و زیاده‌ستانی مالیات از تجار در این دوره سخن به‌میان آورده است (شمس منشی ۱۹۶۴: ج ۱، ۵۳۲). محمد بن هندوشاه از منشیان غیاث‌الدین، فرزند رشیدالدین فضل‌الله همدانی، در دوره ایلخانان بود و رونق تجارت تبریز و مبادلات تجاری این شهر با سایر سرزمین‌ها از جمله اروپا را مشاهده کرده است و سپس رکود تجارت در دوره آل‌چوپان و آل‌جلایر را نیز دیده است و درباره این وضع آشفته تجاری نوشته است: «اکنون مدتی است که از آن مملکت تجار و قوافل نیامده و اقمشه و آلات و آنچه معهود بوده نیآورده و نبرده‌اند» (همان). او توضیح می‌دهد: «جمعی از تجار خاصه که از فلان موضع می‌آمدند، تقریر کردند که در فلان مرحله، جمعی از دزدان در شب بر ایشان زده‌اند و مبالغی اقمشه و چهارپایان برده‌اند» (همان: ۳۸۸). با حمله تیمور به آذربایجان در اواخر قرن هشتم هجری قمری و سیاست‌های تجاری‌ای که وی در اوایل قرن نهم هجری قمری اتخاذ کرد، به این اوضاع آشفته خاتمه داد. پس‌از آن، مقدمات شکوفایی تجارت تبریز در دوره ترکمانان، به‌ویژه در دوره آق‌قویونلوها، فراهم شد.

۴. رونق تجارت خارجی تبریز در دوره آق‌قویونلوها

سیاست‌های تجاری تیموریان و ترکمانان زمینه رونق دوباره اقتصاد تجاری تبریز را فراهم کرد. تیمور برای مراقبت از راه‌ها و هم‌چنین به منظور تأمین کالاهای مورد نیاز کاروان‌ها در اکثر جاده‌ها رباط احداث کرد (حافظ ابرو ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۴). او در نواحی بیابانی لنگرگاه‌ها برای مسافران بنا ساخت و قریه‌هایی برای آن‌ها وقف کرد تا در این لنگرگاه‌ها از مسافران پذیرایی شود. از سویی، در راه‌ها از ترکستان تا نواحی دهلی و از باب‌الابواب در بند تا حدود مصر و روم چنان امنیت برقرار کرد که هیچ‌کسی جرئت تعرض به کاروان‌ها را نداشته باشد (همان: ۲۵). استقرار امنیت و کوتاه‌کردن دست شورشیان و راه‌زنان در راه‌ها سبب توسعه مجدد تجارت خارجی شد و بازرگانان در حمل‌ونقل کالاها اطمینان خاطر به‌دست آوردند (سفرنامه‌های ونیزیان ۱۳۸۱: ۱۳۷). رونق مجدد تجارت تبریز از دوره قراقویونلوها آغاز شد و در دوره آق‌قویونلوها به اوج رسید. در دوره قراقویونلوها مناسبات تجاری بین تبریز با سایر سرزمین‌ها، از جمله عثمانی، برقرار بود. در اسناد و مکاتبات تاریخی مربوط به قرن نهم هجری قمری مکتوبی از سلطان محمد فاتح خطاب به جهان‌شاه قراقویونلو باقی مانده که تاجری تُرک، به نام احمد بن موسی، در تبریز دیده از جهان فرو بسته و در این نامه سلطان عثمانی خواستار تحویل اموال وی به وارثانش شده است (نوائی ۱۳۸۳: ۵۰۱).

در سفرنامه‌های جهان‌گردان اروپایی و سفیران ونیزی شرح رونق تجارت تبریز در عهد آق‌قویونلوها آمده است (همان). در اوایل قرن نهم هجری قمری (پانزدهم میلادی)، مبادلات تجاری بین تبریز و ونیز ادامه داشت. بر طبق وصیت‌نامه باقی مانده از سفیر ونیز در طرابوزان، در سال ۸۱۶ ق (۱۴۱۳ م) به تسویه حساب بین دو کاروان که از تبریز به شماخی می‌رفتند، اشاره شده است (اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران ۱۳۵۲: ۱۴). ونیزیان در دوره آق‌قویونلوها، به‌ویژه در زمان اوزون حسن، مدت مدیدی انحصار تجارت ابریشم ایران و آسیای مرکزی و چین را در دست داشتند. کنسول‌گری‌های جمهوری ونیز در تبریز و لاهیجان و بعضی از نواحی خراسان با تجار ونیزی همکاری می‌کردند و از راه تجارت ابریشم سود کلانی به‌دست می‌آوردند (جوادی ۱۳۷۸: ۱۵۷).

در قرن نهم هجری قمری، گیلان و مازنداران و سواحل غربی دریای خزر، مانند شیروان و شماخی، از مراکز اصلی تولید ابریشم خام بوده است. تجار از این مناطق ابریشم خام را به تبریز منتقل می‌کردند و آن‌ها را در این شهر می‌فروختند. با رونق گرفتن مناسبات

بازرگانی ایران و اروپا در قرن نهم هجری قمری و ورود ایران به حوزه صادرات و واردات اروپا، بار دیگر پای بازرگانان اروپایی به تبریز گشوده شد و درکنار بازرگانان فرنگی، تجار ترک از قلمرو عثمانی برای تجارت به تبریز رفتند.

۱.۴ کالاهای وارداتی به تبریز و صادراتی از تبریز در دوره آق‌قویونلوها

بیش‌تر اطلاعات مربوط به واردات کالا به تبریز و صادرات از آن‌جا در دوره ترکمانان آق‌قویونلو را از سفرنامه‌ها، رساله فلکیه، و از قانون‌نامه‌های اوزون حسن آق‌قویونلو می‌توان به دست آورد. از متن قانون‌نامه‌های اوزون حسن برمی‌آید که اقمشه یزدی و فرنگی، قماش حلب و روم و شام و مصر، ابریشم، زعفران، فولاد، نفت، کتان، عسل، رنگ قرمز، صابون، قطران، صمغ سیاه و سفید، کشمش، نمک، برنج، پنبه، و زغال از جمله کالاهای تجاری بودند که از قلمرو آق‌قویونلوها عبور می‌کردند و بابت این کالاها مالیات تمغا گرفته می‌شد (Barkan 1943: 184; Barkan 1941: 97-105). هم‌چنین از حلب و نواحی دیگر صابون، حنا، فندق، بادام، زیتون، عسل، انگور، انجیر، و زردآلو به تبریز وارد می‌شد. برای این کالاها، از هر بار اسب، دو تنگه (سکه طلا) باج تمغا می‌گرفتند (Barkan 1943: 186).

برخی از کالاها مانند فلفل، زنجبیل، و نشاسته از هند به تبریز وارد می‌شد و از هر بار اسب، نصف سکه اشرفی باج تمغا می‌گرفتند (ibid.: 187). تجار کتان را از طرابوزان به تبریز می‌آوردند (ibid.: 190). برخی از کالاهای واردشده به تبریز از یزد و شروان و دیار بکر بوده است (ibid.). اما بخش عمده کالاها از تبریز ترانزیت می‌شد و برخی از آن‌ها نظیر ادویه هند از تبریز به آناتولی و اروپا و یا حلب صادر می‌شد. در این دوره، تبریز چهارراه تجاری برای عبور کالا از شرق به غرب و یا خلاف آن به‌شمار می‌رفت. بخشی دیگر از کالاها مانند لعل، مروارید، عنبر، مشک، یاقوت، و انواع جواهرات از خلیج فارس و جنوب ایران به تبریز می‌آمد (مازندرانی ۱۹۵۲: ۱۱ - ۱۲).

در رساله فلکیه، تألیف‌شده در نیمه دوم قرن نهم هجری قمری (۸۶۵ ق)، به مبادله انواع کالاها مانند پارچه کمخا، قطیفه، صوف، قطیفه فرنگی منقش، کمخای دمشقی، اطلس، و تافته یزدی در تبریز اشاره شده است (همان: ۱۲ - ۱۵). این کالاها از فرنگ، هند، خلیج فارس، و مناطق دیگر به قلمرو آق‌قویونلوها وارد می‌شد و بابت آن باج تمغا می‌گرفتند (همان: ۱۶). بخشی از کالاها از دشت قپچاق به تبریز می‌رفت. به‌نوشته مازندرانی،

خواجه مظفر پوست‌دوز کالاهایی مانند پوست سنجاب، روباه، و قاقم را از دشت قیچاق به تبریز وارد می‌کرد (همان). مؤلف رساله فلکیه اطلاعات مبسوطی از کالاهای وارداتی و صادراتی در تبریز مانند ابریشم چینی و خراسانی و گیلانی و قماش سمرقندی و انواع اجناس وارداتی از دشت قیچاق و اجناس چینی نظیر پارچه‌های کماخ زردوزی‌شده، ملونه، اطلس، و مشک ارائه کرده است (همان: ۱۷۴).

کلاویخو که در اوایل قرن نهم هجری قمری از تبریز عبور کرده نوشته است: «در بازار، پارچه‌های ابریشم، پنبه، تافته، ابریشم خام، جواهرات و همه‌گونه ظروف را می‌توان یافت». به‌نوشته او در تبریز گروه بی‌شماری از بازرگانان حضور داشتند (گنسالس د کلاویخو ۱۳۷۴: ۱۶۲)؛ و کاروان‌ها از هرمز مروارید را در صندوق‌های بزرگی به‌هم‌راه صدف به سلطانیه و تبریز وارد می‌کردند و این کالاهای تزئینی در تبریز به‌صورت انگشتی و گوشواره درمی‌آمدند و به سایر سرزمین‌ها صادر می‌شدند؛ هر سال بازرگانان از کافا، طرابوزان، ترکیه، سوریه، و بغداد برای خرید انواع کالاها به تبریز می‌رفتند (همان: ۱۶۹ - ۱۷۰).

در بخش صدور کالاهای داخلی نیز، تبریز کانون اصلی صادرات بوده است. ابریشم تولیدی از گیلان و مازندران و شیروان به تبریز منتقل می‌شد و تجار مسلمان و ارمنی آن‌ها را از تبریز به آناتولی می‌فرستادند. پیش از این که بورسا به مرکزیت خرید ابریشم ایران برای صنایع ابریشم‌بافی ایتالیا درآید، طرابوزان مهم‌ترین محل فروش ابریشم ایران بود. کاروان‌ها از تبریز ابریشم خام و لباس‌های ابریشمی را به‌هم‌راه ادویه هند و سایر کالاها به طرابوزان می‌بردند (Inalcik 1998: 428).

۲.۴ تجارت تبریزی در شهرهای عثمانی

با بررسی اسناد تجاری باقی‌مانده در استانبول و بورسا از قرن نهم هجری قمری (پانزدهم میلادی)، می‌توان به حضور گسترده تجارت تبریز در شهرهای عثمانی، به‌ویژه بورسا، پی برد. در یکی از این اسناد تجاری، محمود بن سیدروح‌الله و خضر بن یوسف تبریزی از تجار حاضر در استانبول از شاهدان و تأییدکنندگان مبیعه‌نامه‌ای بوده‌اند که بین حسن علی بن عبدالله فروشنده و بابامحمد شیرازی خریدار نوشته شده است. براساس آن، از بابت کالای مبادله‌شده، خریدار مبلغ پانصد اشرفی سکه طلا به فروشنده بده‌کار بوده است (Inalcik 1981: 13). تاجری دیگر، به‌نام شیخ جان بن قاسم تبریزی، ابریشم تولیدی

ایران را به ارزش سیزده هزار درهم در سال ۸۸۹ ق (۱۴۸۴ م) از تبریز به بورسا برده و آن را به ولی بن حاجی صالح فروخته است و پس از دریافت بخشی از ثمن ابریشم فروخته شده، مقرر شده است تا فروشنده طلب خود را، که مبلغ سی صد درهم بوده، پس از شش ماه از خریدار دریافت کند. بر این اساس، قراردادی امضا کرده‌اند و چهار تن، به نام‌های کمال قسام و حاجی علی بن محمد و مصطفی بن حسین و محمد بن کوسه تریه‌دار، شاهد این قرارداد بوده‌اند و آن را تأیید کرده‌اند. به نظر می‌رسد که شیخ جان تبریزی از تاجران فعال ابریشم در بورسا بوده است. در سند دیگر، در همان سال، وی بابت بهای ابریشم فروخته شده از عبدالله عتیق و امیر ورسل بن حسین چهارصد درهم طلب داشته است که این دو تن باید پس از شش ماه قرض خود را برطبق تعهدنامه به شیخ جان تبریزی پرداخت می‌کردند (9: ibid.).

در سند سوم که مربوط به سال ۸۸۹ ق (۱۴۸۴ م)، مظفر بن خواجه محمد، تاجر تبریزی، از یوسف بن مصطفی مبلغ ۳۷۵۰ درهم از بابت ابریشم فروخته شده طلب‌کار بوده و شاهدان این مبیعه‌نامه حاج محمد بن علی شاه تبریزی و محمد بن محمود برسوی بوده‌اند (36: ibid.). این مبیعه‌نامه‌ها نشان می‌دهند که تجار تبریزی ابریشم تولیدی ایران را به عثمانی صادر می‌کردند. آنان پس از فروش امتعه خود به تجار ترک و اروپایی در مقابل کالاهایی را که تجار ایتالیایی به بورسا می‌آوردند، می‌خریدند و آن‌ها را به تبریز منتقل می‌کردند. چنان‌که در سال ۸۹۰ ق (۱۴۸۵ م)، مظفر بن خواجه خوجکی، تاجر تبریزی، برطبق مبیعه‌نامه‌ای به صرافی به نام مصلح‌الدین مصطفی بن ابراهیم در بورسا ۶۴۵۰۰ درهم از بابت خرید دوازده قطعه لعل ونیزی بده‌کار بوده که مبلغ ۱۴۵۰۰ درهم آن را پرداخت کرده است و بقیه را پس از شش ماه براساس تعهدنامه باید پرداخت می‌کرد. این تعهدنامه را شاه ولد بن خواجه ساربان‌قلی، تاجر تبریزی، ضمانت کرده است (38: ibid.).

گاهی در مبادلات تجاری، تاجران تبریزی وکیل هم‌وطنان خود در شهرهای عثمانی می‌شدند. براساس سند شماره ۱۵۵ از اسناد بورسا، مربوط به سال ۸۹۰ ق (۱۴۸۵ م)، علی بن زین‌العابدین گیلانی، وکیل خود را میرخان بن سیدی، تاجر تبریزی، برمی‌گزیند تا وی ثمن نود قطعه لعل او را از بابایوسف، تاجر قزوینی ساکن در شهر ادرنه، دریافت کند. بیش‌تر تجار ایرانی در بورسا، در نیمه دوم قرن نهم هجری قمری، از تبریز و چغندر سعد (ناحیه‌ای نزدیک ایروان) بوده‌اند. آنان در کاروان‌سرا و یا خانی که به «خان عجم» معروف بود، فعالیت داشتند (52: ibid.).

۳.۴ پول و اوزان رایج در تجارت خارجی تبریز

در مبادلات تجاری بین تجار ایرانی و خارجی در دوره آق‌قویونلوها به انواع سکه‌ها اشاره شده است. در قانون‌نامه‌های مربوط به اوزون حسن اسامی برخی از سکه‌های زیر را می‌توان یافت:

۱. اشرفی قایتبای معادل پنجاه آقچه عثمانی؛
۲. شاهروقی معادل شش آقچه عثمانی؛
۳. تنگه معادل دو آقچه عثمانی؛
۴. اشرفی شامی معادل چهل آقچه عثمانی؛
۵. اشرفی حسن‌بیگی معادل دو آقچه عثمانی؛
۶. پنز (ترجیل) معادل پانزده آقچه عثمانی؛
۷. قراجه آقچه معادل یک‌سوم آقچه عثمانی؛
۸. درهم؛
۹. دینار (Ozcan 2011: 183).

بازرگانان و نیزی در سفرنامه‌های خود به پول‌هایی مانند آسپر^۲ و دوکاتو نیز اشاره کرده‌اند، اما از این‌که آنان در مبادلات خود این پول‌ها را به تجار ایرانی پرداخت می‌کردند یا نه، اطلاع دقیقی در دست نیست. پگولوتی، تاجر فلورانس، در قرن هشتم هجری قمری (چهاردهم میلادی) اشاره می‌کند به این‌که در تبریز هر نوع کالایی فروخته می‌شود و در مبادلات پول، طلا، و نقره پرداخت می‌شود. به‌نوشته همین تاجر برخی از اجناس مانند ابریشم، زعفران، عنبر، و ادویه به وزن پوند^۳ فروخته می‌شدند (Pegolotti 1936: 27).

مازندرانی در رساله فلکیه به دینار، واحد پول پرداختی در مالیات‌های تمغا، در تبریز اشاره کرده است (مازندرانی ۱۹۵۲: ۵۴). استفاده از واحدهای پولی متنوع نشان می‌دهد که تجار ملل مختلف در تبریز حضور داشتند. در قانون‌نامه‌های اوزون حسن از سکه‌های حسن‌بگی نام برده شده است. در همین قانون‌نامه‌ها، از سکه‌های شاهروقی در معاملات و یا مالیات پرداختی سخن به‌میان آمده است (Brakan 1943: 184). اشرفی قایتبایی از دیگر سکه‌هایی است که در مبادلات تجاری استفاده می‌شد (ibid.: 186). تجار خارجی اجازه اقامت بیش از چهارماه در تبریز نداشتند. آن‌ها نمی‌توانستند کالایی بیش از پولی که در اختیار داشتند خریداری کنند (Epstein 1996: 3).

مَن و یا به زبان ترکی «باتمان» مقیاسی برای اوزان کالاها در تبریز بوده است. کالاهای صادرشده از تبریز در دوره آق‌قویونلوها، به‌ویژه ابریشم خام، در وزن‌های چهار باتمان بسته‌بندی می‌شد (Dalsar 1960: 147). براساس قانون‌نامه اوزون حسن، هر مَن (باتمان) برابر با ۱۸۵۰ درهم بوده است (ibid.). در اواخر قرن نهم هجری قمری، هر سال دویست بار کالا که هر بار حدود ۱۰۰ یا ۱۲۰ هزار کیلوگرم بود از تبریز به بورسای حمل می‌شد (Inalcik 1996: 91).

۴.۴ عوارض گمرک و مالیات در تجارت خارجی

در دوره آق‌قویونلوها ابریشم در تجارت ایران چنان ارزش داشت که بخشی از گنجینه سلاطین را ابریشم خام و پارچه‌ها و جامه‌های ابریشمین تشکیل می‌داد و بیش‌تر هدایای تقدیمی پادشاهان و غرامت پرداختی فرمان‌روایان شکست‌خورده در جنگ‌ها به فاتحان و خلعت توزیع‌شده فرمان‌روایان در اعیاد و مناسبت‌ها «ابریشم» بوده است.

پگولوتی، تاجر ایتالیایی، گزارش دقیقی از منازل تجاری بین راه ارس تا تبریز در نیمه اول قرن هشتم هجری قمری (چهاردهم میلادی) ارائه می‌دهد. او از مقدار مالیات مقرر در هر منزل سخن به‌میان آورده و نوشته است که درکل برای هر عدل بار یک آنچه مالیات در پست‌های معین اخذ می‌شود. درمقابل، مأموران به تأمین و بهبود امنیت تجار اهتمام می‌ورزند (Pegolotti 1936). به‌نقل از جوادی (۱۳۷۸: ۱۱۱). به‌نوشته او، برای ابریشم در هر پوند چهار آسپر عوارض گمرکی پرداخت می‌شده و جنس آسپر از نقره بوده است (Pegolotti 1936: 5).

در قرن نهم هجری قمری، کاروان‌ها بین تبریز تا بورسای طریق ارزنجان تا توقات را در ۷۹ روز طی می‌کردند و تعرفه گمرکی برای هر بار بین ۳۰ تا ۳۵ آنچه بود که اخذ می‌شد (Alkan 2006: 146; Inalcik 1971: 214). در تبریز، برای هر بار ابریشم دوازده شاهی و دو بیستک باج تمغا و ده شاهی حق عبور گرفته می‌شد (Alkan 2006: 147). بیش‌ترین اطلاعات از مقدار عوارض عبور کالا از قلمرو آق‌قویونلوها و یا مالیات فروش کالاهای وارداتی از قانون‌نامه‌های اوزون حسن به‌دست می‌آید. در این قانون‌نامه‌ها آمده است:

از اقمشه، اگر به‌فروش می‌رسید، یک‌بیستم تمغا گرفته می‌شد و اگر این کالاها از شهر عبور داده می‌شد، از هر بار شتر دو اشرفی قایت‌بیگی، که معادل صد قراجا آنچه عثمانی^۴ است، عوارض گمرکی اخذ می‌گردید و از هر بار اسب و قاطر یک اشرفی که معادل پنجاه قراجا آنچه بود، باج تمغا گرفته می‌شد (Brakan 1943: 187).

بابت کالاهایی مانند صابون، حنا، خرما، فندق، بادام، زیتون، عسل، انگور خشک، و انجیر که از حلب و جاهای دیگر به تبریز وارد می‌شد، پنج آقچه عثمانی عوارض دریافت می‌شد. هم‌چنین، قماش‌هایی که تجار از اورفا به تبریز می‌آوردند برای هر توپ (بسته) پارچه نیم آقچه تمغا پرداخت می‌کردند (ibid.). از بارهای اقمشه وارد شده از روم، صوف و تافته و پارچه‌های شبیه آن، پنج درصد مالیات تمغا گرفته می‌شد و بابت کتانی که از طربوزان می‌آمد و در شهر فروخته می‌شد، برای هر توپ ده قراجا آقچه مالیات اخذ می‌شد (ibid.: 190). اهالی ارزنجان اگر بار حریر می‌آوردند، برای هر من بار، دو قراجا آقچه و از سایر کالاها پنج قراجا آقچه مالیات می‌پرداختند (ibid.).

برطبق آنچه در سفرنامه‌های تاجران و نیز آمده است، هر بازرگان و یا فروشنده‌ای که در بازار تبریز مغازه‌ای داشت، به نسبت دادوستد خویش، روزانه دو تا شش آسپر و یا حتی یک دوکاتو^۵ مالیات پرداخت می‌کرد (جوادی ۱۳۷۸: ۱۵۱). برای ابریشم در هر پوند چهار آسپر عوارض گمرکی پرداخت می‌شد (Pegolotti 1936: 5).

مازندرانی نوشته است که براساس قانون تجارت، از هر چهل دینار قیمت اجناس مبادله شده، یک دینار مالیات گرفته می‌شود و یک‌دوم این مالیات از فروشنده و دوسوم آن از خریدار دریافت می‌شود (مازندرانی ۱۹۵۲: ۱۷۴). در این دوره، حقوق دیوانی تبریز از کل مالیات تمغا مبلغ ۸۷۰ تومان و پنج هزار دینار بوده است (حمدالله مستوفی ۱۳۶۲: ۷۸). مازندرانی به اجناسی که از اروپا، سوریه، مصر، و سایر بلاد ایران به تبریز وارد می‌شد، از جمله قماش فرنگ و مصر و شیراز و کالاهایی از کرمان و اصفهان و انواع قماش هند، اشاره کرده و مقدار مالیات آن‌ها را نیز آورده است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به مازندرانی ۱۹۵۲: ۱۷۴). او می‌نویسد که مالیات تمغای تبریز به خواجه نصیرالدین تبریزی به مقاطعه داده شده است که با کسر هزینه‌های آفات سماوی، عبور عساکر، قطع‌الطریق از قوافل مبلغ ۳۲۸۸۰۰۰ دینار است (همان: ۵۸ - ۵۹)؛ البته این مبلغ شامل کل مالیات تمغا بوده است که از پیشه‌وران و کاسبان و تاجران هر یک به مقدار معین گرفته می‌شد. به غیر از تبریز، ارزنجان مرکز عمده گمرک و اخذ عوارض در آناتولی شرقی بوده است (Dalsar 1960: 128 - 129).

۵.۴ راه‌های تجاری

در دوره آق‌قویونلوها، تبریز در محل تلاقی راه‌های تجاری ایران به قفقاز و دشت قپچاق و یا در مسیر راه تجاری شرق به غرب قرار داشت. کاروان‌هایی که از کنار

دریای سیاه و آسیای صغیر می‌آمدند با کاروان‌هایی که از سراسر آسیای مرکزی می‌آمدند در این شهر به هم می‌رسیدند (گنسالس دِ کلاویخو ۱۳۷۴: ۳۱). در مسیر آسیای صغیر راهی که تجار ایتالیایی به تبریز می‌پیمودند یا از طرابوزان و یا از بندر ایاس، ارمنستان صغیر، قیصریه، ارزنجان، و ارزروم به تبریز بود. راه سوم، از قبرس به ارمنستان صغیر و کناره‌های فرات و دیار بکر به تبریز می‌رسید (جوادی ۱۳۷۸: ۱۱۱). پگولوتی، تاجر فلورانس، در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۳ م، از راه‌های تجاری طرابوزان - ارزنجان به تبریز و یا بندر ایاس، ارزنجان - ارزروم به تبریز گزارش داده است (Peogolotti 1936: 28 - 30). او در این باره توضیح داده است که کاروان‌های تجار جنوایی دائم بین تبریز و طرابوزان در رفت‌وآمدند (جوادی ۱۳۷۸: ۱۱۲). تجار در مسیر دریای سیاه کالاها را از تبریز به طرابوزان و از آنجا به استانبول می‌بردند، اما این مسیر به تدریج با خطرهایی مواجه شد و از سویی، با رونق گرفتن بورس طرابوزان در نظر تجار تبریزی کم‌اهمیت شد (Inalcik 1998: 428). مهم‌ترین راه‌های تجاری منتهی به تبریز در دوره آق‌قویونلوها بدین قرار بودند:

۱. راهی که از تبریز به دیار بکر و از آنجا به حلب می‌رفت؛
۲. راهی که از تبریز به ارزروم و از آنجا به بورسا می‌رسید. بورسا و حلب از مراکز اصلی فروش ابریشم ایران بودند (گنسالس دِ کلاویخو ۱۳۷۴: ۳۱)؛
۳. راه دیگر صادرات کالا از تبریز به آناتولی از طریق کوه‌های آغری به ارزنجان بوده است (Dalsar 1960: 128 - 129)؛
۴. راه تجاری تبریز و ارمنستان به طرابوزان که کالاهایی مانند ابریشم به آنجا صادر می‌شد (ibid.: 129)؛
۵. راهی که از تبریز به قفقاز و از آنجا به دشت قیچاق می‌رفت و اجناسی مانند پوست سمور و قاقم از این طریق به تبریز وارد می‌شد (رضوی ۱۳۸۶: ۱۳)؛
۶. بخشی از راه‌های تجاری تبریز از طریق اردبیل به شروان و گیلان می‌رفت و ابریشم گیلان و سواحل غربی دریای خزر از این طریق به تبریز می‌رسید. کاروان‌ها ابریشم را، که گاهی به هشتصد تا نهصد بار شتر می‌رسید، از گیلان و شماخی به تبریز می‌آوردند (باستانی پاریزی ۱۳۴۸: ۱۰)؛
۷. راه شرقی یا همان مسیر جاده ابریشم که تبریز را به خراسان و جنوب ایران متصل می‌کرد.

۵. نتیجه‌گیری

باتوجه به این که تبریز در امتداد جاده تجاری ابریشم قرار داشت، رونق تجارت در آن به حفظ امنیت راه‌ها و حمایت حاکمان از تجارت بسته بود و در پی سیاست‌های اقتصادی حاکمان آق‌قویونلو در نیمه دوم قرن نهم هجری قمری (پانزدهم میلادی)، این شرایط در تبریز مهیا شد و تجار از ملل گوناگون در این شهر حضور یافتند و موفق شدند تا انواع کالاهای تولیدشده هند، چین، ایران، فرنگ، حلب، شام، آناتولی، و دشت قپچاق را به تبریز بیاورند و آن‌ها را مبادله کنند و یا برخی از کالاها را از طریق تبریز به غرب و شرق بفرستند.

تبریز در این دوره از رونق اقتصادی برخوردار شد و به کانون اصلی مبادلات تجاری شناخته شد. عواید حاصل از تجارت خارجی هم برای حاکمان آق‌قویونلو و هم برای پیشه‌وران و بازاریان این شهر فراوان بود. حکومت آق‌قویونلو از طریق دریافت مالیات تمغا درآمد کلانی به دست آورد و تاجران و پیشه‌وران و بازاریان نیز از طریق تولید و مبادله کالا و یا ارائه خدمات به تجار درآمد کلانی کسب کردند. برخی از تجار تبریزی کالاهای تجاری ایرانی و هندی و سایر سرزمین‌های شرقی را به بورسا و شهرهای عثمانی و حلب بردند و در مقابل کالاهایی از آن مناطق به تبریز وارد کردند. به همین دلیل، می‌توان گفت که رونق تجارت خارجی تبریز در این دوره در رفاه اقتصادی مردم این شهر و افزایش عوایدی حکومت سهمی مؤثر داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. پگولوتی در اواسط قرن هشتم هجری قمری به تبریز رفت و اطلاعات دقیقی را از انواع کالاهای وارداتی به تبریز و کالاهای صادراتی از آن‌جا و انواع پول‌ها و مسکوکات برای مبادله و از قیمت اجناس و روابط تجاری تبریز با دشت قپچاق ارائه کرده است. باتوجه به این‌که در دوره آق‌قویونلوها نیز همان روند ادامه داشته است، می‌توان از گزارش‌های وی بهره برد. هنوز متن کامل دست‌نوشته‌های پگولوتی ترجمه نشده است. نوشته او به زبان ونیزی قرن نهم هجری قمری (پانزدهم میلادی) است و ترجمه آن بسیار دشوار است. مطالب نوشته شده از کتاب پگولوتی در این مقاله برگرفته از مقدمه‌ای است که آلن ایوانس (Allan Evans) آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است.
۲. براساس نوشته کلاویخو، هر آسپر معادل نیم رآل (real) نقره بوده است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به گنسالس د کلاویخو ۱۳۷۴).

تجارت خارجی تبریز در دوره آق‌قویونلوها ۳۷

۳. هر پوند برابر با ۳۲۰/۷ گرم بوده است (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به Inalcik 1996).
۴. آقچه‌سیاه سکه‌ای بوده که ارزش آن کم‌تر از یک آقچه بوده است. هر سه قراجا‌آقچه معادل یک آقچه عثمانی ارزش داشت.
۵. هر دوکاتوی ونیزی برابر با ۱۰۰ دینار بود.

کتاب‌نامه

- اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی (۱۳۵۲)، تهران: دانشگاه تهران.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰)، *تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری*، تهران: نامک.
- امیری، زهرا (۱۳۹۰)، «روابط ونیز و ایران در عهد اوزون حسن آق‌قویونلو»، فصل‌نامه *تاریخ‌پژوهی*، ش ۴۸.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۷۷)، *جغرافیای تاریخی ایران*، ویرایش کلمنت ادموند بوزورث، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۴۸)، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: صفی‌علیشاه.
- برجلو، احمد و مهدی سنگ‌سفیدی (۱۳۹۴)، «تجارت در دوره آق‌قویونلوها»، *تاریخ نو*، ش ۱۲.
- جوادی، حسن (۱۳۷۸)، *ایران از دیده سیاحان اروپایی؛ از قدیم‌ترین ایام تا اوایل دوره صفویه*، تهران: بوته.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۸۰)، *زبدة التواریخ*، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات سیدکمال حاج‌سیدجوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر (۱۳۶۲)، *نزهة القلوب*، به‌اهتمام گای لسترنج، تهران: اساطیر.
- رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۸۶)، «راه‌های تجاری درون‌مرزی در عصر ایلخانان»، *مسکویه*، س ۲، ش ۶.
- سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* (۱۳۸۱)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- سیدحسین‌زاده، هدی (۱۳۹۳)، «روابط ایران و هند در دوره سلطنت حسن‌بیگ و یعقوب آق‌قویونلو»، *مجله شبه‌قاره*، ویژه‌نامه *نامه فرهنگستان*، ش ۳.
- شمس منشی، محمد بن هندوشاه (۱۹۷۶)، *دستور الکاتب فی تعیین المراتب*، به‌تصحیح عبدالکریم علی‌اوغلی، مسکو: فرهنگستان علوم، انستیتو ملل خاورمیانه و نزدیک.
- کربلایی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۴۴)، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گونسالس د کلاویخو، روی (۱۳۷۴)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.

لسترینج، گای (۱۳۸۶)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.

مازندرانی، عبدالله بن محمد (۱۹۵۲)، *رساله فلکیه در علم سیاحت*، به تصحیح والتر هینس، ویس‌بادن: هیئت مستشرقین در فرهنگستان ماینس، چاپ‌خانه فرانس اشتاینر.

نوائی، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران؛ از تیمور تا شاه اسماعیل*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Abulafia, David (1981), "Southern Italy and Florentine Economy, 1265 – 1370", *The Economic History Review*, vol. 34, no. 3.

Alkan, Nilufer (2006), "15 ve 16 Yuzyillarda Iran Ipek Yolunda Kervanlar, u.u Fen –Edebiyat Fakultesi", *Sosyal Bilimler Dergisi*, yıl 7, say 11.

Barkan, Ömer Lütfi (1941), "Osmanli Devrinde Akkoyunlu Hükümdarı Uzun Hasan Beye ait Kanunlar", *Türk Tarik Vasikalari*, say 1, say 2.

Barkan, Ömer Lütfi (1943), *xv ve xvi Ince Asırlarda Osmanlı İmparatorluğunda Zıralı Ekonominin Hukuki ve Mali Esasları*, İstanbul: İstanbul Üniversitesi, Edebiyat Fakültesi.

Dalsar, Fahir (1960), *Türk Sanayi ve Ticaret Tarihinde Bursada İpekçilik*, İstanbul: Üniversitesi İktisat Fakültesi.

Epstein, S. A. (1996), *Genoa and the Genoese: 958 - 1528*, London.

Inalcik, Halil (1971), *The Ottoman Empire, The Classical Age 1300-1600*, trans. Norman Itzkowitz and Colin İmber, London: The Trinity Press, Worcester.

Inalcik, Halil (1981), "Bursa Kadi Sicililerinden Seçmeler", *Belgeler*, cX, say 14.

Inalcik, Halil (1996), *The Ottoman State: The Economy and Society*, The University of Cambridge

Inalcik, Halil (1998), *The Question of the Closing of the Black Sea under the Ottoman*, Ankara: Bilkant University.

Ozcan, Ahmet (2011), *Uzun Hasan Kanunlari ve Osmanli Donemine Yansimalari*, Ankara: Üniversitesi Dergiler Veritabani.

Pegolotti, Francesco Balducci (1936), "La Pratica della Mercatures", *Medieval Academy Books*, Allan Evans (ed.), no. 24.